



<http://www.arianafghanistan.com>

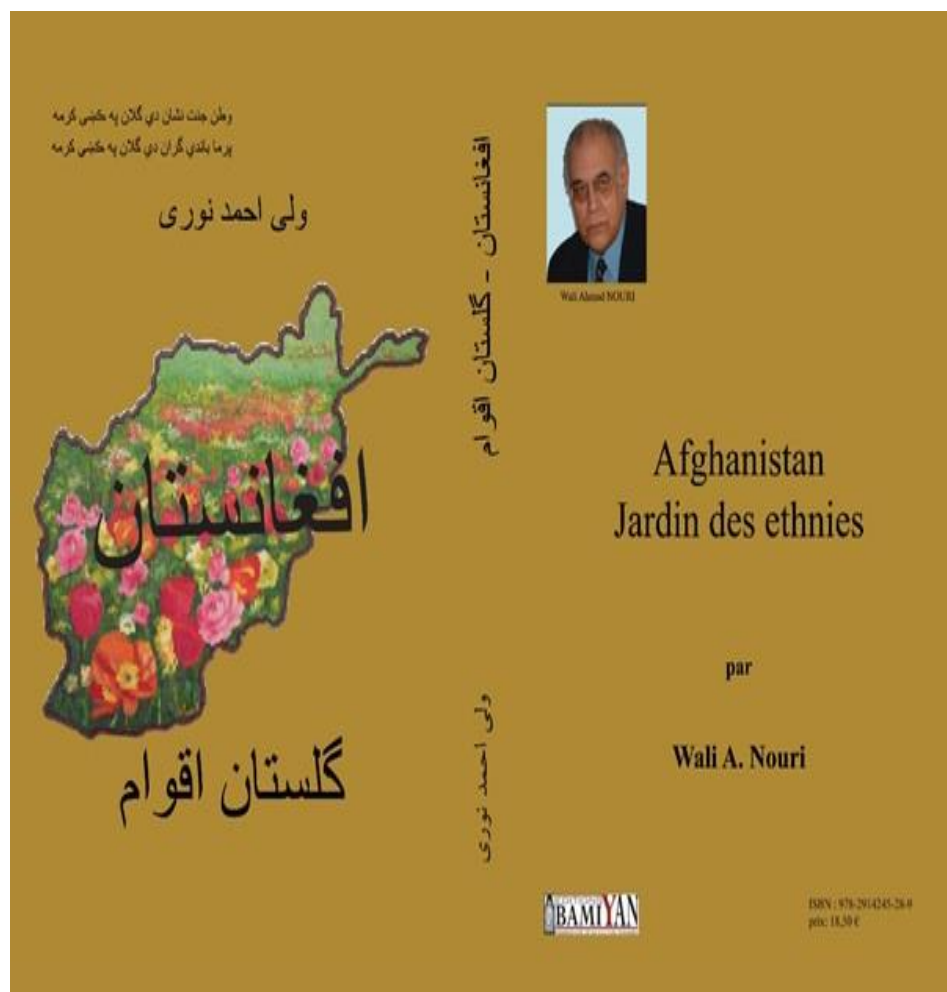


۲۰۱۸/۰۸/۰۲

ولی احمد نوری

افغانستان گلستان اقوام

قیمت بیت و هشتم



افغانستان گلستان اقوام

بیست و هشتم

سیری در اندیشه های عنودانه!

از

امان الملک جلاله

ورجینا



پیرامون پروپاگند های لجوجانه و معاندانه محترمه نادیه فضل به عرض برسانم:
بیش از یک ربع قرن مصیبت و ستم، درد و الم، قتل و ماتم، رنج و غم بر ملت بیچاره و مظلوم،
جان نثار و فداکار ما گذشت که هنوز داغ های خون چکان آن زخم های مرکبار توپ و طیاره، تفنگ
و ماشیندار، زندان و اعدام جباران و طاغوتیان بر جسم و جان و روح و قلب ملت ستم کشیده ما
التیام نیافته است، ولی به حمدالله حالا روزنه کوچک امید و خوشبینی به آینده به رخ آنها گشوده شده
است تا لختی در محیط صلح و آرامش، خود ها را جا بجا ساخته شیرازه گسسته و از هم دریده
زندگی اجتماعی آینده را در کنار همدیگر به همیاری و همکاری یکدیگر پیوند یا اقلاً سر به نوک
نمایند و گذشته های سیاه و خونین را از اذهان و روان شان بزدایند.

اما افسوس که در جامعه ما هنوز هم کسانی وجود دارند که با لباس سفید اما قلب های سیاه، در
سیمای فرشته اما در خصلت دیوان، در نمای انسان اما در ردای شیطان، در چهره خواهر و مادر
اما در پنجه خنجر را محکم گرفته و هر آن بر بدن علیل این ملت ضربه می زنند... و بر زخم های
خونین آن بجای مرحم گذاشتن نمک می ریزند. بجای صلح و دوستی شعله جنگ و عداوت می
افروزند... بجای همدردی و رهنمایی نیک زهر کینه و نفرت می پاشند ... بجای اتحاد و همبستگی
شعار جدایی و تفرقه سر می دهند تا به پیروی از پالیسی های احزاب جهادی چند سال قبل در پاکستان

و ایران، این جنابان هم بتوانند با ایجاد خانه جنگی و خون ریزی در بین اقوام و اقشار ملت به نام "افغانی" و "افغانستانی"، پشتون و تاجک، اوزبک و هزاره، هرج و مرج و بی نظمی را به درازا بکشانند تا ازین فعالیت های قبیحه مال و ثروت سرشار و دوامدار نصیب شان شده بشود.

محترمه نادیه جان فضل! این را باید بدانید که افراد شرافگن و خود بزرگ بین مانند شما و هم نظران تان در زمره ملت حق شناس افغانستان که به فکر تجزیه یا مدغم کردن این خاک باستانی به همسایگان هستید و کمر دشمنی و عناد را با قوم دلیر پشتون افغانستان و با دیگران بسته اید و در تحقیق و تذلیل زبان پشتو قلم فرسایی و زبان درازی می نمائید، تعداد تان از شمار انگشتان یکدست هم بالا نمی رود.

ثانیاً شما و هم فکران تان باید واضح سازید که نمایندگی و دفاع از کدام قوم و قبیله افغان را به عهده گرفته اید، تاجک یا آرین، ازبک یا ترکمن، مغل یا هزاره، بلوچی یا نورستانی، کابلی یا هراتی؟ که چنان با شقاوت و نفرت به هرسو شمشیر میزنید و زهر می پاشید ... ؟

نمیدانم نادیه جان، شما با چنین طعنه ها و اهانت به قوم غیور پشتون و زبان ملی پشتو که گاهی آنرا گل های پلاستیکی نامانوس تشبیه می کنید و گاهی آنرا زبون جلوه میدهید چه چیزی را می خواهید ثابت بسازید؟ آیا شما هم مانند قوم بنی اسرائیل خود و قبیله تان را برتر و بالاتر از دیگر اقوام و اقشار افغانستان می پندارید؟ اگر چنین باشد! این یک فکر بیجا و خام است. از من بشنوید:

که پشتون ژبه د دوزخ ژبه ده

زه به جنت ته در پشتو سره ځم

یا چه چیزی را می خواهید بدست بیاورید؟ کدام دکتورای افتخاری از وزارت علم و عرفان جمهوری اسلامی ایران؟ یا کدام مدال حسن خدمت از جمهوری تاجیکستان؟ در ازای پخش نفاق و شقاق در بین این ملت رنج کشیده ... ؟

شما ولو از نام افغان بودن نفرت ببرید و خود را "افغانستانی" یا "خراسانی" بنامید، باز هم اولاد همین خاک هستید خاکی که از صد ها سال به اینطرف به نام نامی افغانستان مسمی شده است و شما یک عضو لایتجزای همین ملت سربلند هستید که به نام "افغان" یاد می شود و این خاک و تمامی ملت آن بر شما حق بزرگی دارند.

ما در زبان پشتو مثلی داریم: "په کور کی کور کی مه جوړه وه!" (در خانه خویش خانه گک نسازید!) اگر به این تلاش هستید که در افغانستان عزیز سیستم فیدرالی را برقرار نمائید و به حساب قومیت و زبان ما را به صوبه سرحد پاکستان تحویل دهید یا مناطق شمال شرق را به تاجیکستان

مدغم گردانید و یا شما غرب وطن ما را به ازبکستان و ایران ضم نمائید تا دیگر از دیدن پشتون ها و شنیدن زبان پشتو آسوده گردید این یک مفکوره واهی و خیال خام، جاهلانه و ویرانگر است. باید بدانید که ملت نجیب و سربلند افغان از هر قوم و عشیره ای که باشند شما و همفکران تان را به چنین طبیعت سرکش افراطی، ستمی، فاشیستی، نژاد پرستی نفرین و نکوهش می نمایند. و اگر در کدام جلسه عمومی ظاهر شده و بگوئید که من "افغان" نیستم و "افغانستانی" هستم، از شما خواهند پرسید که "افغانستانی" یعنی چه؟ در صورتی که از نام "افغان" شرم و عار دارید پس چرا خود را "افغانستانی" می گوئید؟ باید علناً بگوئید که ایرانی، تاجیکستانی، عربی، هندی، یهودی، نصاری، روسی یا چینائی کدام یک آن هستید؟ در آن صورت بنا به نوشته فاضل محترم عبدالعلی خان افضل از لندن، در صفحه (۱۹) در شماره (۸۷) جریده "مردم افغانستان"، مردم افغانستان از انکار تان از افغانیت شما را موی کنک خواهند کرد.

یقین دارم که روزی شما هم به سرنوشت خلقیان، پرچمیان و طالبان دچار خواهید شد و ملت حق شناس افغانستان شما و پیروان بیگانه پرور تانرا درین خاک مقدس محکوم خواهند نمود و مجرم خواهند شناخت. باید خاطر نشان کنم کسانی که نا فهمیده و نادانسته مرتکب جرم و گناهی می شوند، جزا و توبیخ آنها کمتر است نسبت به آنانی که با داشتن علم و فهم قصداً و عمداً به اعمال فتنه انگیزی، شرارت، پخش نفرت، بدبینی، نفاق و پراگندگی در جامعه توصل می ورزند و یا خود را در گرو بیگانگان قرار داده به ملک و ملت خود خیانت می ورزند و آتش جنگ و خصومت را در بین ملت شعله ور ساخته همواره در تخریب و برهم زدن آسایش عامه عمل می نمایند. الحق عاقبت شان هم عاقبت خلقیان و پرچمیان ظالم و وطن فروش و جهادیان حریص و خود خواه و طالبان جاهل و نا اهل می گردد. زیرا هر سه این گروه ها کشت شان را از جوی بیگانه آبیاری می نمودند. اما شما گروه چهارم شمرده شده گناه تان سنگین تر و شدیدتر از آنها خواهد بود. زیرا شما دوران صلح و آرامش دست به نفاق و شقاق و هرج و مرج می زنید.

ندانستم که در عقب آن چهره زیبا و قشنگ شما و آن سیمای معصوم و نازنین کدام جن و عفريت لجوج و کینه توز از کدام سرزمین همسایه دشمن جای گرفته که هر آن شما را برضد هموطنان مظلوم و قابل ترحم تان بر می انگیزد و به خشم و مخالفت وامیدارد. کاش من کدام داملائی قصیده خوان می بودم تا بر شما قصیده می خواندم یا تعویذی و طوماری می نوشتم تا روح و روان و جسم زیبای تانرا از چنگ این اجنات خبیثه نجات میدادم، یا کدام شوئیست مجرب جلب محبت و دوستی برای تان می فرستادم تا با لیسیدن آن رحم و شفقت یک خواهر مهربان هموطن در قلب شما جای

گزین میشد تا من و تمام هموطنان تان را بدون تبعیض و تعصب به یک نظر مهربانانه و مساویانه خواهری و برادری می نگرستید.

از اینکه دشمنی شما با پشتون ها و زبان پشتو به سرحد پدرکشی رسیده است مرا حیران می سازد. زیرا یقین دارم که زندانیان زندان ابو غریب عراق از ظلم و شکنجه و تحقیر و اهانت عساکر اجیر امریکائی که بر آنها عملی نمودند و تمام دنیا به حال آنها گریست آنقدر تنفر و انزجار از تمام ملت انسان دوست و عدالت پسند امریکا نشان نمی دهند مانند شما. در حالیکه شما هرگز از جانب هیچ پشتون مورد ایزا یا تحقیر قرار نگرفته اید، اما آنقدر خشم و نفرت تان را در مقابل آنها نشان میدهید که کمر بسته اید که تمام پشتون ها و زبان پشتو را از سرزمین افغانستان محو و نابود گردانید و عوض زبان پشتو زبان فارسی ایرانی که نزد شما خیلی دلنشین است جابجا سازید. به همان قسمی که طالبان می خواستند زبان دری و غیر پشتون ها را از میهن ما دور سازند. و شما بتوانید معلم را "آموزگار"، شاورال را "شهردار" والی را "استاندار" و صدراعظم را "نخست وزیر" بنامید و فخر فروشید که کچالو را "سیب زمینی" میگوئید و یا بادنجان رومی را "گوچه فرنگی" و غیره. من به این نتیجه می رسم که بگویم شما خصلت گژدم را دارید که میگویند:

نیش گژدم نه از ره کین است

مقتضای طبیعتش این است

یعنی جنگ اندازی و تفرقه افگنی عادت روانی تان شده است. و ما در زبان پشتو مثلی داریم :
«عادت در بلا په استم الله نه پورته کیژی» .

آمین.

الحاج امان الملک جلاله



افغانستان گلستان اقوام (بیست و هشتم)

Walinouri_afghanistan_golestaam_aqwaam_۲۸.pdf